



پرونده‌ای فراموش شده در کردستان عراق

فوتبال به رغم «داعش»

جنگ و وحشی‌گری‌های «داعش» فوتبال را در کردستان عراق

جایی که پیشمرگه‌ها برای دفاع از مردمش می‌جنگند، از بین نبرده است



سجاد فیروزی

کمتر اتفاقی می‌تواند فوتبال و روح این ورزش را در نقطه‌ای از کره خاکی از بین ببرد. نه قتل عام، نه جنگ و نه تهدید، هیچ‌کدام توانسته مردم را از «فوتبال» جدا کند. کردستان، منطقه‌ای خودمختار در عراق، که این روزها بیش از هر منطقه دیگری درگیر جنگ مستقیم با داعش است، هم از این قاعده مستثنا نیست. هفته‌نامه «اکیپ» این‌بار گزارشی خواندنی از جریان‌داشتن فوتبال در کردستان دارد که از نظر می‌گذراند.

شهر اول: سلیمانیه

جنوب شرقی کردستان عراق
فاصله تا خط مقدم یک ساعت
شب سیاه سیاه است؛ چند ساعتی می‌شود که توفان شن، کوهستان‌های سلیمانیه که هنوز سرسبز هستند را جارو می‌کند. این شهر یک‌میلیون و ۶۰۰ هزار نفر جمعیت دارد و در جنوب شرقی شهر کردستان عراق واقع شده است. سکوت مطلق این سیاهی شب، ناگهان و برای نزدیک به ۱۰ دقیقه با صدای گلوله، فریاد، خس‌خس‌های شوق‌زده و صدای مداوم آژیر درهم می‌شکند. ختم‌قدمی که کردها با داعش در آن می‌جنگند، درست در فاصله ۶۰ کیلومتری اینجا در کرکوک است. با رعایت قوانینی که عراقی‌ها وضع کرده‌اند - بازرسی و کنترل عبور و مرور - تا رسیدن به آنجا نزدیک به ۶۰ دقیقه راه است. به‌رحال حالا فاصله معنایی ندارد و سؤالی که ذهن را درگیر کرده این است که این تکیاو و تیراندازی ناگهانی جایی برای نگرانی دارد؟

پاسخی که می‌توان برای این سؤال آتی یافت مشخص شده: فعلا نه، جایی برای نگرانی نیست. در اینجا، جنگ جغرافیا را تغییر داده است. در واقع نزدیکی، دوری، امنیت و خطر حالا تبدیل به وقایعی مرتبط با یکدیگر شده‌اند که خیلی زود یکی از این المان‌ها می‌تواند جای دیگری را بگیرد.

گذر ما به سلیمانیه مصادف شده با سه‌شنبه، ۱۲ می ۲۰۱۵؛ ساعت ۲۳:۳۰ است و داعشی‌ها، افرادی که دنبال سیه‌روزی و بدبختی دیگران هستند، فاصله‌شان «دور» است. کردها هم البته حواسشان جای دیگری است؛ آنها بیشتر دارند به ستاره‌های تیم بارسلونا فکر می‌کنند؛ تیمی که اکثریت مردم اینجا طرفدار مطلق آن هستند. در خیابان‌های مرکزی شهر سلیمانیه، مردم، شکست زال‌مادرید، دشمن قسم‌خورده بارسا، مقابل تیم یوونتوس در نیمه‌نهایی لیگ قهرمانان اروپا را جشن گرفته‌اند...

چند روز بعد، در سایه گسترده درخت توت «کافه فرهنگ» سلیمانیه، بختیار اسنن، خبرنگار ورزشی «کردست تی‌وی» می‌آید تا درباره شیفتگی

کردهای عراق به فوتبال صحبت کند: «در سلیمانیه فردای روزی که مسابقه برگزار شده، طرفداران تیم بازنده آفتابی نمی‌شوند. آنها می‌روند و مخفی می‌شوند! همین چهارشنبه گذشته هواداران زئال‌مادرید که به کافه‌تریای «کردست» آمده بودند همگی اخمو و ترش‌رو بودند ولی ما با یکدیگر جنگ و دعوایی نداریم. خودمان به اندازه کافی جنگ دیده‌ایم. فوتبال حساسبش کاملا جداست». نزدیک او، ریزگار مصطفی، مدیر مدرسه فرانسوی سلیمانیه و یکی از پیشمرگه‌های قدیمی نشسته که هنوز خاطرات زیادی از دنیای توپ‌گرد در ذهنش باقی مانده است. وقتی او پرسیده بوده در محله «خبث» با زمین‌های اطراف آن با دوستانش توپ‌بازی کرده است، آنها به‌خاطر اینکه حواس سربازان صدام حسین که تجمع کردها را ممنوع اعلام کرده بود، پرت کنند، مجبور بودند محل بازی‌شان را مدام تغییر دهند: «یک روز یک مسابقه در عربت داشتیم. سربازها آمدند و ما را پیدا کردند. آنها با خودشان یک گاو آورده بودند و به ما گفتند که مثل همین گاو فقط به درد خوردن علوفه می‌خوریم...»

ریزگار زمانی که به سن جوانی رسیده یعنی در دهه ۷۰، توانسته در پارک آزادی هم پایه‌توپ شود؛ جایی که چند سال بعد دیکتاتور عراقی‌ها «زن‌دان سرخ» را در آنجا راه‌اندازی کرد تا افراد گروه‌های مقاومت و سیاست‌مدارهای کرد را زندانی کند و شکنجه دهد. بعدا در بین سال‌های ۸۶ تا ۹۰، درکوه‌های اطراف سلیمانیه، فوتبال به او و هم‌شاگردی‌هایش قدرتی برای خروج از بین دو مبارزه داده؛ فرصتی که ذهنشان را از آشفتنی برهاند و به روزهای کودکی‌شان برگردند: «در زندگی مقاومت دو چیز اهمیت زیادی دارند: کتاب و توپ. بچه که بودیم گروهی ۱۸ نفره داشتیم که در زمین‌هایی که این روزها دیگر اثری از آن نیست، خوش می‌گذرانیم. ما همگی تبدیل به مبارز شدیم و حالا ۱۱ نفر از آن جمع ۱۸نفره در مبارزه کشته شده‌اند».

در تابستان ۲۰۱۴ و به‌واسطه یک دوست فرانسوی که مدت‌ها ساکن اسپانیا بوده، ریزگار موفق می‌شود به کارلو آنچلوتی که در آن برهه هنوز سرمربی زئال‌مادرید بود، یک «کلاش»، نوعی کفش سنتی کردها که یادآور مقاومت است، هدیه دهد. روی صفحه گوشی هوشمند آخرین مدلی هم که در دست دارد، تصویری از آنچلوتی دارد که با چهره‌ای بشاش، کفش‌های سفید کتان و پشمی را به پا کرده. در کردستان عراق خاطرات خوب فوتبال همیشه به خاطرات بد آن می‌چرید.

شهر دوم: اربیل پایتخت کردستان عراق

به‌زودی آفتاب پشت ورزشگاه «فرانسو هریری» در اربیل فرو می‌رود و غروب می‌کند؛ مجموعه ورزشی پایتخت کردستان عراق مجموعه‌ای عالی به‌نظر می‌رسد. این ورزشگاه، زمین فوتبالی با گنجایش ۲۸ هزار تماشاگر دارد که یکی از زیباترین، سرسبزترین و البته امن‌ترین زمین‌های فوتبال عراق محسوب می‌شود. اینجا یک باشگاه فوتبال زنانه هم به اسم «باشگاه زنان هولر» دارد که آنها حتی بعضی وقت‌ها در زمین شماره دو این ورزشگاه یا در زمین‌های سریوشیده، که برای برگزاری فوتبال ۵به۵ و ۱۱به۱۱ مناسب است، تمرین می‌کنند. روی کاغذ وجود فقط یک تیم فوتبال زنان کم به نظر می‌رسید ولی با توجه به نگاه نه‌چندان مثبتی که تا همین اواخر نسبت به فوتبال زن‌ها وجود داشته، باز هم حیات این باشگاه در نوع خودش یک پیشرفت است. به‌رحال آنچه مشخص است اینکه در این منطقه می‌تلبد زن‌ها مبارزه دیگری هم برای احقاق حقشان داشته باشند. از این موارد گذشته باید عنوان کرد میزبان اصلی این باشگاه قدرتمند، تیم «اربیل» است که سابقه چهار قهرمانی در لیگ عراق را آن هم در سال‌های ۲۰۰۷، ۲۰۰۸، ۲۰۰۹ و ۲۰۱۲ دارد. البته در مقایسه کلی با سایر ورزشگاه‌ها، امکانات برای تأمین امنیت مسابقاتی که در این ورزشگاه برگزار می‌شود، کم است؛ چند نفر از نیروهای امنیتی در جای جای مجموعه و در کنار زمین دیده می‌شوند که کلاشینکف‌هایشان را روی دوش انداخته‌اند. بعد از سال‌ها مقاومت مسلحانه علیه دیکتاتوری به‌نام صدام حسین و جنگ برادرکشی بین پارتیزان‌های گروه دموکرات کرد (PDK) و شورای میهن‌پرستان کرد (UPK)، این منطقه خودمختار مثل حبایی معلق بر فراز کشوری ازهم‌گیخته می‌ماند که نمایشی از متنوع‌ترین قساوت‌ها در آن دیده می‌شود.

عقربه‌ها، ساعت ۱۷:۳۰ را نشان می‌دهند؛ بازیکنان اربیل به‌صورت گروه‌های پراکنده برای تمرین‌کردن وارد زمین می‌شوند ولی جان زیادی در هایشان حس نمی‌شود چون همین الان در حال خارج‌شدن از سالن بدن‌سازی مجموعه هستند. کنار زمین هم رئیس فدراسیون فوتبال کردها در صندلی پلاستیکی‌ای فرو رفته و منتظر تمرین تیم اربیل است. در قدوقامتش که دقیق شوید چیزی به غیر از قدرتی که در صورتش نمایان است به چشم نمی‌آید. سافین کانایی مدافع دهه ۸۰ تا ۹۰ منطقه است که این روزها فوتبال کردستان را اداره می‌کند. البته این طور نیست که درهای «فیفا» به روی او بسته باشد؛ اتفاقا هم درهای فیفا به روی او باز است و هم گوش‌های بالاتر - رئیس



بازی اربیل و قادسیه کویت در کردستان / عکس‌ها: محله «اکیپ»

مستعفی فیفا - برای شنیدن حرف‌هایش باز. در ورزشگاه و بالای سکو‌ها، مجسمه‌ای از فرانسو هریری قرار گرفته که دست راستش را به سوی آسمان بلند کرده؛ مجسمه‌ای که حالا برای رئیس فدراسیون فوتبال کردها سایه‌ای ایجاد کرده تا آفتاب آزارش ندهد.

روز ۱۸ فوریه ۲۰۱۰، فرانسو هریری، فرماندار وقت

اربیل، یکی از اصلاح‌طلب‌های قابل‌ذکر گروه مسیحی

آشوری بود که توسط شاخه تروریستی الانصار به قتل

رسید.

اربیلی‌ها قرار است خودشان را برای رقابت در AFC کاپ (دومین رقابت باشگاهی در آسیا بعد از لیگ قهرمانان آسیا) مهیا کنند. به کویت بروند و با تیم القادسیه بازی کنند. شاگردان حامد صلاح، مربی اربیل و ملی‌پوش سابق تیم ملی عراق، که سابقه چهار عنوان قهرمانی در نوع خودش یک پیشرفت است. بعد به مصاف رقیب رفتند و با وجود برتری ۲ بریک نتوانستند جواز صعود از مرحله گروهی AFC کاپ را به دست آورند، یک تاکامی بزرگ برای اربیلی‌ها که سال پیش در فینال همین رقابت‌ها به همین تیم القادسیه در ضربات پنالتی باختند و قهرمانی را ازدست دادند. در سال ۲۰۱۲ هم اربیلی‌ها یک بار دیگر به فینال رسیده بودند ولی باز هم در آن بازی که اتفاقا در خانه خودشان برگزار می‌شد، بازی را مقابل دیدگان تماشاگرانشان که به تیم افتخار می‌کردند واگذار کردند. همین تماشاگران حالا دیگر از فوتبال نلسرد شده‌اند. عده‌ای از آنها از نتایجی که تیم گرفته راحت هستند و می‌خواهند این ناراحتی‌شان را هم به این شکل بروز دهند و عده‌ای دیگر هم که به خط‌مقدم جبهه رفته‌اند تا با داعشی‌ها مبارزه کنند؛ جنگ، تیم را کاملا از هم پاشانده است. در پایان جولای ۲۰۱۴، ویکتور مانولن، رویاباتو بورخا و خورخی گوتور، سه بازیکن اسپانیایی اربیل که فصل پیش جذب تیم شده بودند، از جمع هم‌تیمی‌هایشان جدا شدند. آنها به اسپانیا برگشتند چون سربازهای داعشی کنترل شهر مخمور در ۵۰ کیلومتری جنوب غربی اربیل را در اختیار گرفته بودند. البته به غیر از تهدید داعش، رکود اقتصادی هم باعث شد این بازیکنان خارجی کردستان را ترک کنند و بروند، هرچند آنها پذیرفته بودند سال ۲۰۱۴ را هم بدون دست‌مزد برای این تیم بازی کنند. این دو اتفاق دست‌به‌دست هم داده تا فوتبال حرفه‌ای کردها در یک‌سال‌ونیم گذشته سیر نزولی داشته باشد. در اربیل، دوهوک، کرکوک یا سلیمانیه همین زنگ خطر مشابه به صدا درآمده است: نه آبی در بساط مانده که از طریق آن بتوان دست‌مزدی داد و نه اینکه کلا پولی وجود دارد تا بتوان با آن، پای استعداد‌های اروپایی را به کردستان کشاند و قرارداد امضا کرد. این وضعیت موجود، دورنمای فوتبال در این منطقه حداقل در کوتاه و میان‌مدت خاکستری‌رنگ خواهد شد؛ درست مثل آسمان منطقه که با توفان شن بعضا خاکستری‌رنگ می‌شود.



استقبال تماشاگران اربیل از فوتبال قبل از حمله داعش

ورزش

مسابقه با فقر

حالا سؤالی که ذهن را درگیر می‌کند این است که دلیل اصلی فقردستی فوتبال کردستان چیست؟ اتفاقا برای این سؤال هم پاسخ مشخصی وجود دارد: استقلال مالی کامل باشگاه‌ها از دولت محلی کردستان (KRG)، دولتی که خودش در چند جبهه مشغول جنگیدن است. حتی قبل از اینکه آنها مجبور شوند به جنگ با داعش برود، قدرت‌های کرد مجبور شده‌اند از بودجه‌شان به میزان قابل‌توجهی بکاهد. در اصل دولت محلی کردها اختیارعمل مستقیم تجارت نفت و پول‌های نفتی با ترکیه را به دست گرفت؛ اقدامی که اصلا به مذاق بغداد خوش نیامد.

در ابتدای سال ۲۰۱۴، نخست‌وزیر سابق شیعه عراق، نوری المالکی (نایب رئیس کنونی جمهوری عراق) شاه راه روی این منطقه خودمختار بست (۱۷ درصد بودجه کلی) و حقوق‌دادن به مسئولان رسمی کرد را قطع کرد. دولت محلی کردها هم شروع کرد به محدودکردن بودجه‌ها؛ چون آنها مجبور بودند در مرزها جنگی سنگین و بسیار هزینه‌بر با داعشی‌ها داشته باشند. بیش از یک سال است که پیشمرگه‌ها از مرزهای کردستان عراق و فراتر از آن از بسیاری شهرها و روستاهای عراق تکه‌تکه‌شده دفاع می‌کنند؛

کشوری که هرگز نسبت به آن مه‌ری هم در دل نداشته‌اند. ۱۰ ژوئن ۲۰۱۴ در موصل، در برابر بی‌تفاوتی ارتش عراق و البته تارومارشدن آن، کردها ابتکار عمل را به دست گرفتند تا با دست‌های خودشان از کشتار و قتل‌عام مردمان توسط آنهایی که با رئیس داعشی‌ها پیمان بسته بودند، جلوگیری کنند.

این‌روزها کردستان به‌سان گلوله برقی می‌ماند که وقتی راه می‌افتد توده گسترده‌تری را دربر می‌گیرد؛ این منطقه، میزبان بیش از یک میلیون نفر از بی‌خانمان‌ها و مهاجران سوریه‌ای است که این عدد هر روز هم بیشتر و بیشتر می‌شود. سرمایه‌گذاران خارجی هم که سال‌های اخیر تعدادشان رو به افزایش بود و همگی شیفته «معجزه کردها» بودند، با وحیم‌ترشن شرایط اقتصادی، فرار را بر قرار ترجیح داده و کردستان را ترک کردند. در این شرایط، دیگر فوتبال در آخرین رده اولویت‌بندی قرار می‌گیرد.

در وزارت ورزش و جوانان این منطقه حتی بدون داشتن قرار قبلی می‌توان درهای وزارتخانه را باز کرد و هم‌سخنی یافت که مایل است درباره شرایط اقتصادی فوتبال کردستان صحبت کند. ساختمان سبزرنگ وزارت، خالی از سکنه است و درهای هر سه طبقه این ساختمان رو به اتاق‌های خالی باز می‌شود. سرتیپ فریق، کارشناس مدیریت کل ورزش، در دفترش در طبقه سوم همین ساختمان نشسته و آماده بحث درباره موضوع مذکور است: «از ابتدای سال ۲۰۱۵ مدیران ورزشی کرد باید کارهایشان را بدون بودجه دولتی برنامه‌ریزی کنند. درواقع یا باید این کار را کنند یا اینکه دیگر کاری نکنند. باز باشگاه‌هایی مثل اربیل و دوهوک که سال‌های اخیر وارد سرمایه‌گذاری در بخش مسکن شده‌اند با گرفتن اجاره این واحدهای مسکونی می‌توانند بهتر از بقیه تیم‌ها کلیم خود را از آب بیرون بکشند». سافین کانایی، رئیس فدراسیون فوتبال کردستان، هم با متهم‌کردن دولت مرکزی، می‌گوید: «بغداد رفتار بسیار سختگیرانه‌ای با ما دارد. اگر محرومیت‌های ما را در فصل آینده برندارند، شرایط از وضع موجود بدتر هم می‌شود. ورزش بدون پول، به هیچ کاری نمی‌آید. ما همیشه رفتار بسیار خوبی با تیم‌های عراقی که به ورزشگاه‌های اینجا می‌آیند، داریم و پذیرایی گرمی از آنها می‌کنیم ولی وقتی تیم اربیل در عراق بازی می‌کند، تماشاگران آنها ما را هو و تحقیرمان می‌کنند. این اتفاق در حالی می‌افتد که نزدیک به ۵۰ درصد بازیکنان تیم هم کرد نیستند! این‌ روزها اگر می‌بینید داعش عقب‌نشینی کرده و اگر همه عراق را اشغال نکرده به‌خاطر ما‌ست، نه فرد دیگری...».

دریچه

شهر سوم: کرکوک

جنوب کردستان

در فاصله ۲۰ کیلومتری خط‌مقدم

کرکوک اگرچه در منطقه خودمختار کردستان عراق قرار ندارد، شهری یک‌میلیون و ۲۰۰ هزار نفری است که اکثر مردمش را کردها تشکیل می‌دهند (بیش از ۷۰ درصد). شهر و منطقه‌ای که با همین نام اطرافش را فرا گرفته، الان چندین سال است درگیر کشمکش‌های KRG، دولت محلی و دولت عراق است. در این منطقه وابستگی، با توجه به قیمتی که به پیشمرگه‌ها داده می‌شود تا برای مبارزه با داعش به خط‌مقدم بروند و از منطقه محافظت کنند، کمتر است. از اینجا تا خط‌مقدمی که جنگ با داعش در آن جریان دارد، فاصله ۲۰ کیلومتر است.

در میانه‌های ماه ژوئن ۲۰۱۴، درها به روی تجارت بسته، قفل خانه‌ها انداخته و خیابان‌ها خالی از هر جاننداری شد؛ شهر تبدیل به شهر ارواح شد. ۱۱ماه بعد از آن، تهدید گروه داعش همچنان به قوت خود باقی است (حملات انتحاری به‌صورت پیوسته در این منطقه صورت می‌گیرد) ولی زندگی در کرکوک دوباره جان گرفته است؛ درست مثل بوق‌های کرکننده اتومبیل‌ها در خیابان‌های شهر. با این حال، هلهله اصلی در کرکوک جای دیگری برپاست، باشگاه فوتبال «کرکوک». تیم هشتم لیگ کردستان (باشگاه به‌طور هم‌زمان در لیگ کردستان و لیگ عراق حضور دارد) تیم رده دومی دوهوک را با نتیجه ۳برصفر برده است؛ عملکردی که تماشاگران را در ورزشگاه، حسابی به ذوق آورده و زیر سایه نگاه پیشمرگه‌ها که چهارگوشه ورزشگاه را زیر نظر دارند، فریاد شادی می‌کنشد. وقتی سوت پایان بازی به صدا



تیم فوتبال زنان «هولر»

درآمد، را ستاره تماشاگران، ساندای، بازیکن ۲۳ساله و نیجریه‌ای تیم کرکوک که فصل پیش با قراردادی ۱۰هزار دلاری به این تیم آمده است، هم‌تیمی‌هایش روی دست بلند کرده، به جشن و پایکوبی پرداخته و تشویقش می‌کنند. از تماشاگران، آنهایی که خودشان را به زمین مسابقه رسانده، می‌خواهند هر طور شده با این بازیکن ۲۳ساله سلفی بگیرند. آنها به‌خوبی می‌دانند شاید برای آخرین‌بار باشد که فرصت سلفی‌گرفتن با این بازیکن نیجریه‌ای را دارند. «تایگر» (لقب این بازیکن نیجریه‌ای) ممکن است دیگر در این تیم نماند: «اینجا همه می‌خواهند این بازیکن در تیم بماند ولی مطمئن نیستم پول کافی برای تمدید قراردادش داشته باشیم». این جمله‌ای است که ریووار امین، یکی از اعضای باشگاه، می‌گوید. البته از قرار معلوم خود ستاره جوان تیم قصد ندارد، هم‌تیمی‌هایش را تنها بگذارد: «من بازیکنی حرفه‌ای هستم، مطمئنا کار پیشنهاد بهتری داشته باشم، چمدان‌هایم را می‌بندم و می‌روم ولی اینجا با وجود همه مشکلات و سد زبانی‌ای که وجود دارد، همه از من مراقبت می‌کنند. من توانستم اعتماد آنها را جلب کنم. خیلی خوب است...» ولی خطر و تهدید چه؟



ستاره نیجریه‌ای تیم کرکوک

این بازیکن شانه‌هایش را بالا می‌اندازد و می‌گوید: «در عراق یا در نیجریه، در هر لحظه‌ای، مثلا وقتی خواب هستی یا در خیابان قدم می‌زنی، می‌توانی بمیری. خدا یکی است و تروریست‌ها هم مثل هم هستند. ما با این شرایط کنار آمده‌ایم».

حرف‌های دلگرم‌کننده مسئولان مختلف تیم که همگی ایستاده‌اند، خطاب به بازیکنانشان که حالا به ترتیب روی زمین نشسته‌اند هم مشابه است: «با وجود مشکلات زیاد، کرکوک زنده است. کرکوک سرش را بالا گرفته است. ما به خودمان افتخار می‌کنیم. ما با این پیغام مستحکم توجه KRG را جلب کرده‌ایم، ما وجود داریم! با فرماندار جلسه می‌گذاریم. دوباره باید پول به حسایمان واریز شود.

تلاش‌های شما نباید بدون مزد باقی بمانند...». چند ساعت بعد، در رستوران، «کاپیتان عبدالله»، مربی تیم کرکوک، اسکناس‌های ۱۰ هزار دیناری (حدود ۹ دلار) را روی میز می‌گذارد. او که پشت بشقاب کباب برپانی‌شده‌اش نشسته، بازیکنانش را دعوت می‌کند تا بایاند و پاداش‌هایشان را بگیرند. دروازه‌بان سابق تیم اربیل، به آینده فوتبال حرفه‌ای کشورش امیدوار است؛ در آن روز سافین کانایی ۲۵ دقیقه با سب بلاتر، درباره راه‌دادن تیم فوتبال کردستان به مسابقات انتخابی جام ملت‌های آسیا که قرار است سال ۲۰۱۹ در امارات برگزار شود، صحبت کرد. این بدان معناست که داعش شکست خورده است؟ به‌رحال سؤال روز این نیست. اینجا و آنجا، چه با بلاتر و چه بدون او، موردی که این افراد به آن امیدوار هستند، این است که کردستان مستقل شود و به عضویت فیفا درآید.



استقبال مسئولان تیم کرکوک از بازیکنان